معنای «لوح» نزد اولیاء

حال به عبارتی برگردیم که در فرمایش امام علیه‌السلام بود. حضرت فرمودند: خدای متعال امر فرموده بدون لب و زبان، همانطوری که اراده و مشیت او بوده، فرموده است: «کن فکان خبراً کما اراد فی اللوح»؛ همانطوری که اراده او در لوح بوده است. به نظرم اگر درست یادم بیاید، ترجیح مباحثه ما محضر شما با توجه به قاعده «الاقرب یمنع الابعد»، این شد که «فی اللوح» متعلق به «اراد» باشد. نه به «کان فی اللوح». «کما اراد فی اللوح». یعنی خود لوح، یکی از مظاهر اراده الهیه است مشیت و قضا و قدر و اراده. «اراد فی اللوح» یعنی لوح آن اراده الهی را به ظهور می‌آورد. شاید این أنسب باشد.

خب، آن لوح چیست؟ با این چیزی که ما گفتیم، اگر یک امر مبسوط خیلی باز آشکار باشد، همان چیزی است که نفوس قدسیه اولیای خدا با آن تماس می‌گیرد. اینکه فرمودند: «إِذَا شِئْتُ أَنْ أَعْلَمَ[1]، از این باب است. همین که در قلب خودشان ای آن دستگاهی که خودشان دارند که ما نمی‌دانیم به چه صورت است، می‌بینید که روحشان به آن امر قدسی متصل می‌شود. انبیاء و اوصیاء و کسانی که درجه بالا بالا داشتند، به تعبیر حاج آقا [مرحوم آیت اللّه بهجت] آنها طبقات سلاطین هستند. طبقه رعیت هم اصطلاحی بود که ایشان به کار می‌بردند. در طبقه رعیت شاگردان انبیاء و اوصیاء هستند. انبیاء و اوصیاء، طبقه سلاطین دار وجود هستند، طبقه رعیت شاگردان آنها هستند. یادم می‌آید که یک وقتی می‌فرمودند که جناب سلمان با آن مقامش از طبقه رعیت است. طبقه رعیت یعنی «قد أمرني أن أطلعه علی علم المنایا والبلایا والانساب وفصل الخطاب»[2]؛ حضرت علیه السلام فرمودند که خداوند به من امر کرده است که اینها را به سلمان یاد بدهم. پس طبقه رعیت می‌شود.

یادم آمد که مرحوم حاج آقا نور در اراک بودند. صاحب تفسیر هم هستند. مکرر حاج آقا [مرحوم آیت اللّه بهجت] نقل می‌کردند. می‌گفتند کسی حج بود، خبر آوردند که وفات کرده است. محضر حاج آقا نور در اراک نشسته بودند، ایشان انگشتشان را آوردند و روی پیشانی خود گذاشتند و بعد فرمودند: خیر! وفات نکرده است. بعداً هم معلوم شد که آن فرد وفات نکرده است. گفتند آقا شما چطور فهمیدید؟ او حج بود! فرمودند: من به کسانی که روحشان به آنجا رفته مراجعه کردم، روح او آنجا نبود! حال لوح را نگاه کنند، یک چیزی است. اینها به تعبیر حاج آقا [مرحوم آیت اللّه بهجت]، طبقه رعیت هستند. علماء این جور بودند. ظاهراً در اراک کرامت‌های مفصلی داشته است پیرمردهایی که ایشان را دیده بودند، نمی‌دانم هستند یا نه. باید سؤال بشود. ظاهراً تفسیر ایشان هم، تفسیری خیلی عالی است. نمی‌دانم در نرم‌افزار هست یا نه.

شاگرد: در خاطرات مرحوم اراکی هم بوده است.

استاد: راجع به آقا نور. ایشان عالم بزرگی بودند.

علی ای حال، این لوح، یک امر ملکوتی است. خب، ما خبر نداریم که حالات اولیاء به چه صورت است. همینطور خدمت شما عرض می‌کنم. بعضی از وقتها معصومین علیهم السلام گریه کرده‌اند، اما حسابی احتمال می‌دهم که گریه آنها برای امثال من است. یعنی اگر همین جور روایت بخوانیم، می‌گوییم حضرت علیه السلام گریه کردند. اما اگر کمی رفت‌وبرگشت بشود، گریه برای امثال

بندهای است که در اینجا محضر شما یادبی میکنم. دو روز قبل، حدیثی را خدمت برخی از اعزه گفتم. الآن گفتم که این حدیث خیلی مضمون عجیبی دارد. اتفاقا با این مضمون لوح و معارفی که اولیای خدا دارند، خیلی مطالب خوبی از آن روشن میشود.

---

[1]. شيخ كليني، الكافي،ج ١، ص ٢٥٨: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ الْإِمَامَ إِذَا شَاءَ أَنْ يَعْلَمَ أَعْلَمَ».

[2]. علامه مجلسی بحار الأنوار (بر أساس چاپ مؤسسة الوفاء)، ج 22، ص 347.

بازبینی #2
ایجاد شده 7 اکتبر 2025 15:11:29 توسط ... .
به روزرسانی شده 7 اکتبر 2025 16:19:54 توسط ... .